

بررسی رابطه بین میزان دینداری و نگرش به دموکراسی در بین شهروندان نیشابوری در سال ۱۳۸۹

ابراهیم صالح آبادی^۱

عبدالرضا قندهاری^۲

چکیده:

هدف این مقاله بررسی رابطه بین دینداری و نگرش به دموکراسی در بین شهروندان نیشابوری است. برای انجام این امر، پیمایشی در حجم نمونه‌ای متشکل از ۲۹۵ شهروند باسواد که با روش احتمالی متناسب با حجم نمونه (PPS) انتخاب شده بودند انجام شد. چارچوب نظری تحقیق بر اساس نظریات لنسکی، وبر و نظریه جنگ‌های فرهنگی شکل گرفته است و سنجش دینداری براساس مدل چندبعدی گلاک و استارک صورت پذیرفته است. نگرش به دموکراسی براساس اصول بنیادی برشمرده شده توسط دال سنجیده می‌شود. نتایج حاکی از وجود رابطه معنادار معکوس و منفی بین میزان دینداری، بعد اعتقادی دینداری، بعد مناسکی دینداری، بعد شرعی دینداری و همچنین سطح تحصیلات با نگرش به دموکراسی و رابطه‌ی مثبت و مستقیم بین بعد پیامدی دینداری و نگرش به دموکراسی می‌باشد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که بین سن، جنسیت و تأهل یا مجرد با نگرش به دموکراسی رابطه‌ای وجود ندارد.

کلیدواژه: میزان دینداری، بعد اعتقادی، بعد مناسکی، بعد پیامدی، بعد شرعی، نگرش به دموکراسی.

^۱ - استادیار جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور / abrahimsalehabadi@yahoo.com

^۲ - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان / a.rezaghandehari@yahoo.com

۱- مقدمه

بهترین رژیم سیاسی کدام است؟ چنین سؤالی بی‌معنی است. هیچ رژیم سیاسی وجود ندارد که قطع نظر از زمان و مکان و مقتضیات خاص، برتر از سایر رژیم‌ها باشد. برای مسائل انسانی یک راه حل «منحصر به فرد» وجود ندارد. شکل همه جوامع و ملل ثابت و لایتغیر نیست. اگر گفته شود بهترین حکومت آن است که منافع مردم را بیشتر تأمین کند، این هم جواب نمی‌شود، زیرا مسأله‌ی تازه‌ای را مطرح می‌کند. مسأله تازه این است که در تعریف منافع عامه اتفاق رأی وجود ندارد. هر کس «منافع» عامه را یک‌جور تعریف می‌کند (رفاه، خوشبختی، قدرت، عاقبت به خیری...) و این تعاریف متناقض هستند.

با افول نظام‌های سیاسی تک‌حزبی، اقتدارطلب و فاشیستی در قرن بیستم که ناشی از بروز بحران‌های مختلف بوده‌است، در آغاز قرن بیست و یکم میلادی، دموکراسی رایج‌ترین نظام سیاسی به شمار می‌رود. دموکراسی اگرچه در آغاز پدیده‌ای اروپایی و غربی بوده‌است اما اکنون دیگر پدیده‌ای خاص اروپا و غرب نیست و به پرطرفدارترین نوع نظام سیاسی در جهان تبدیل شده است. (بشیریه، ۱۳۸۰)

دموکراسی به عنوان شیوه‌ی زندگی سیاسی در جهان مدرن بر مبنای و اصولی استوار است که در طی فرآیند دراز مدت مبارزه برای ایجاد حکومت دموکراتیک تکوین یافته‌اند. جوهر این اصول و مبنای را می‌توان در اصالت برابری انسان‌ها، اصالت فرد، اصالت قانون، اصالت حاکمیت مردم و تأکید بر حقوق طبیعی، مدنی و سیاسی انسان‌ها یافت. (همان) اما دموکراسی در مفهوم مدرن آن محصول تحولات فکری و اجتماعی قرون جدید بوده‌است. بسیاری از صاحب نظران میان دموکراسی، سرمایه‌داری، جامعه صنعتی، تجدد و فرهنگ نو رابطه‌ای نزدیک می‌بینند. در اروپای غربی عوامل مختلفی از جمله فئودالیسم و پراکندگی قدرت سیاسی، جنبش اصلاح دینی و مسیحی، رشد طبقات تاجری پیشه جدید و ظهور وجه تولید سرمایه‌داری، انقلاب‌های دموکراتیک و انقلاب صنعتی در تکوین و استقرار دموکراسی نقش اساسی داشتند. (همان) اما این مجموعه عوامل در مناطق دیگر جهان، تکوین نیافت و در نتیجه تجربه دموکراسی غربی در این مناطق تکرار نشد. از جمله این مناطق کشورهای مسلمان به‌ویژه کشورهای خاورمیانه و به طور خاص کشور ایران می‌باشد.

۲- بیان مسأله

بنابر ارزشیابی سالانه‌ای که توسط خانه آزادی^۱ (۲۰۰۲) در ۱۹۲ کشور جهان صورت گرفته است دو سوم کشورها (۱۲۱ کشور) دارای دموکراسی انتخاباتی هستند. از ۴۷ کشوری که اکثریت مسلمان دارند،

^۱ - freedom house

تنها یک چهارم (۱۱ کشور) در زمره دموکراسی‌های انتخاباتی هستند. علاوه بر این، هیچ یک از جامعه عرب زبان خاورمیانه و آفریقای شمالی در این مقوله جای نمی‌گیرند. (اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۷)

در بیان علت این موضوع نظریات مختلفی ابراز شده است. ساموئل هانتینگتون^۱، در نظریه «برخورد تمدن‌ها»^۲ مدعی است که تفاوت‌های فرهنگی صریحی میان ارزش‌های سیاسی اصلی رایج در جوامعی که از میراث مشترک مسیحیت غربی برخوردارند- به‌ویژه ارزش‌هایی که مربوط به دموکراسی انتخاباتی می‌شود- و اعتقادات رایج در بقیه دنیا به‌ویژه جوامع اسلامی وجود دارد. هانتینگتون ادعا می‌کند که قوی‌ترین ویژگی متمایز کننده فرهنگ غرب، که مسیحیت غربی را کاملاً از دنیای اسلام و ارتدوکس جدا می‌سازد، مربوط می‌شود به ارزش‌هایی که به نوعی با دموکراسی پارلمانی مرتبط‌اند. (اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۷) این ادعاها به واسطه شکست استقرار دموکراسی انتخاباتی در خاورمیانه و کشورهای مسلمان مطرح می‌شود. (Minkenberg, 2006)

اخیراً فرانسیس فوکویاما^۳ ادعا کرده است که از نظر او اسلام و مدرنیته با هم سازگار نیستند. او معتقد است که «به نظر می‌رسد چیزی در اسلام یا حداقل نسخه بنیادگرایانه اسلام که در سال‌های اخیر رو به گسترش بوده است وجود دارد که جوامع مسلمان را به شیوه‌ی خاصی در برابر مدرنیته مقاوم می‌سازد.» برای فوکویاما مشخصه مدرنیته نهادهایی همچون دموکراسی و سرمایه‌داری می‌باشند. او می‌گوید: در کشورهای مختلف خاورمیانه همانند مصر و اردن بعد از انقلاب‌های ۱۹۸۹ اروپای شرقی، فشارهای زیادی برای دموکراسی بیشتر انجام شد. اما در این بخش از جهان (خاورمیانه)، اسلام به عنوان یک مانع عمده بر سر راه دموکراتیزاسیون ایستاده است. (al-Braizat, 2005)

از سوی دیگر از جانب متفکرین اسلامی نظرات مختلفی ارایه می‌شود. شمار رو به رشدی از افراد در میان مسلمانان از جمله بر این نکته تاکید می‌ورزند که نه تنها اسلام و دموکراسی با یکدیگر سازگارند که از همپاشی آنها اجتناب ناپذیر است زیرا نظام سیاسی اسلام بر پایه شورا قرار دارد. (فاروق، ۱۳۸۷) از دیگر سو اندیشمندانی همچون سید قطب که یک نظریه‌پرداز اصلی دوره‌ی تجدید حیات اسلامی است به شدت با ایده‌ی حاکمیت عموم مخالفت ورزید. از دیدگاه سید قطب حاکمیت مردم، غصب حاکمیت خدا یا تعرض به حکومت خدا در روی زمین و شکلی از ستم است زیرا این امر فرد را تابع اراده‌ی سایر افراد می‌نماید. (جهان بخش، ۱۳۸۲)

در ایران مباحث مربوط به سازگاری اسلام و دموکراسی قدمتی یکصد ساله دارد. آیت ... نائینی از علمای دوران مشروطه معتقد است که در عصر غیبت شرعاً و عقلاً به اقتضای ضرورت تأمین عدالت و

¹- Samuel Huntigton

²- Clash of civilizations

³- Francis Fukuyama

مساوات، محدود کردن قدرت سلطنت به قدر امکان واجب است. وی بهترین شیوه حکومت در زمان خود را مشروطه می‌داند، البته نه به آن معنا که یک نظام عالی و مطلقاً خوب و مشروع باشد. (محمدی، ۱۳۸۷) همچنین در مبارزات منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی ایران، علی شریعتی از دموکراسی هدایت شده اسلامی پشتیبانی می‌کند و آیت... خمینی برای توصیف حکومت اسلامی از کلمه دموکراسی استفاده می‌کند و معتقد است اسلام تمامی امتیازات دموکراسی و حتی بیشتر از آن را داراست. (جهان بخش، ۱۳۸۲) برخی از اندیشمندان معاصر همچون محمدتقی مصباح یزدی از موضع ناسازگاری بین این دو پدیده سخن می‌گویند. مصباح یزدی معتقد است که دموکراسی غربی، زائیده تفکر جدایی دین از سیاست است و هیچ‌گاه نمی‌تواند با اسلام همسو شود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۷)

اما آیا واقعاً می‌توانیم کل موضوع دموکرات نبودن کشورهای خاورمیانه و اسلامی را به یک عامل مذهب محدود کنیم. آن گونه که از تحقیقات و نوشته‌ها برمی‌آید، پاسخ منفی است. (روکه مایر و همکاران^۱، ۱۹۹۲؛ ون هنن^۲، ۱۹۹۷؛ دال^۳، ۱۹۸۸ و اینگلهارت ۱۹۹۷) عوامل دیگری همچون مدرنیزاسیون، صنعتی شدن، شهری شدن، نرخ باسوادی، میراث استعماری، تجارت بین‌المللی، اقتصاد سیاسی بین‌المللی (سلاح و نفت)، اعتماد بین فردی، رفاه، سکولاریزاسیون، طبقه اجتماعی، جهانی شدن، میزان باز بودن بازار، توزیع منابع اقتصادی و فکری، تضادهای منطقه‌ای و بین‌المللی، ملی‌گرایی، ساختار حکومت، جهت‌گیری نخبگان و مشروعیت حکومت نیز باید مد نظر قرار گیرد. (2005, al-Braizat) تمام این عوامل در تعیین شکل سیستم سیاسی که یک جامعه می‌تواند داشته باشد نقش دارند. در این تحقیق بر آن نیستیم که کل فرهنگ سیاسی مردم را بررسی کنیم بلکه می‌خواهیم بخشی از فرهنگ مردم و به‌طور خاص دینداری مردم و تأثیر آن بر نگرش مردم به دموکراسی را بسنجیم. تحلیل هر مقوله اجتماعی در ایران بدون در نظر گرفتن دین و دینداری مردم مشکل است. بنابراین اگرچه دینداری بخشی از چارچوب مفهومی فرهنگ سیاسی نیست، اما پژوهشی که بخواهد شناخت درستی از فرهنگ سیاسی و تحولات آن یا شدت و ضعف عناصر آن نزد گروه‌های مختلف اجتماعی داشته باشد مجبور است به تحلیل رابطه دینداری افراد و نگرش‌های سیاسی آنها نیز بپردازد. (ایسپا، ۱۳۸۴) از این رو لازم شد در این پژوهش به این موضوع پرداخته شود.

۳- مبانی نظری پژوهش:

توکویل مسیحیت را عنصری مهم در تاریخ دموکراسی غربی می‌داند. براهین توکویل در آشتی دین و

¹-Engaged democracy

²-Reuschemeyer et al

³-Vanhanen

⁴-Dahl

دموکراسی تلاشی است در تبیین این اعتقاد که دموکراسی غربی نه تنها غیردینی نیست بلکه ریشه‌هایش را از فرهنگ دینی جامعه اخذ کرده‌است. این براهین دست‌کم در تثبیت بخش اول این ادعا یعنی عدم تعارض دین و دموکراسی بسیار موفق‌اند. از میان لوازم سازگاری دین و دموکراسی در نگاه توکویل، جدایی نهاد دین از دولت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این جدایی نه تنها باعث حفظ دموکراسی بلکه موجب حفظ دین هم خواهد شد. اما علی‌رغم این جدایی، دین همچنان قادر خواهد بود که به شکلی غیرمستقیم اما بسیار عمیق بر جامعه تأثیر بگذارد. توصیف توکویل از دموکراسی در آمریکا توصیه‌ای به الگوبرداری از این مدل نیست. توکویل تنها با ارائه‌ی این مدل نشان می‌دهد که دموکراسی بدون ارزش‌های فرهنگی، اخلاقی و دینی عقیم است. همچنین با مطرح کردن الگوی دموکراسی نشان می‌دهد که هرچند نظام، دموکراتیک‌تر باشد، احتمال وقوع انقلاب و تغییرات نهادینه‌ی اجتماعی در آن کم‌تر است.

۳-۱- نظریه لنسکی

مسئله اصلی که لنسکی متوجه آن است تأثیرمذهب بر نهادهای سکولار، خصوصاً اقتصاد، سیاست و خانواده است. لنسکی برای ایجاد چارچوب نظری خود شدیداً تحت تأثیر ماکس وبر و تا حدی تحت تأثیر ویل هربرگ است. وبر بود که پوزیتیویست‌ها و جبرگرایان اقتصادی را با تز مشهور خود مبنی بر تأثیرگذاری اخلاق پروتستانی بر روحیه سرمایه‌داری به چالش کشاند. مباحثی که پس از مطرح کردن این تز پدید آمد برای لنسکی شایان توجه بود و او به دنبال بررسی این موضوع بود که آیا مذاهب کنونی جهت‌دهی خاصی بر رفتار پیروان خود دارند و این که آیا این مذاهب تأثیر خود را بر حوزه‌های نهادی جامعه اعمال می‌کنند یا خیر.

برای تعیین اثر تعهد مذهبی بر رفتار روزانه افراد، لنسکی در سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۵۹ تحقیقی به همراه یک پروژه تحقیقاتی میان رشته‌ای به نام مطالعه حوزه دیترویت انجام داد. یافته اصلی این تحقیق این است که مذهب هنوز هم یک عامل مهم در زندگی آمریکایی‌ها است. شواهد حاکی از آن است که مذهب نه تنها بر رفتار افراد بلکه بر تمام حوزه‌های نهادی جامعه‌ای که فرد در آن مشارکت دارد تأثیر می‌گذارد. «بسته به گروه مذهبی-اجتماعی که فرد به آن تعلق دارد، احتمال این که فرد از شغل خود لذت ببرد، برای دست یافتن به اهداف خود در آینده صرفه‌جویی کند، به جمهوری خواهان رأی دهد، دیدگاه لیبرال در مورد موضوع آزادی بیان داشته‌باشد، به جامعه دیگری مهاجرت کند، تحصیلات خاصی را دنبال کند یا در نظام قشربندی ارتقا پیدا کند، کاهش یا افزایش پیدا می‌کند» (Lanski, 1961).

این شواهد تزاصلی وبر مبنی بر این که مذاهب اصلی جهت‌گیری‌های مشخصی به وجود می‌آورند و

بر نظام نهادی جامعه تأثیر می‌گذارند را تأیید می‌کنند. داده‌ها نشان می‌دهد که گروه‌های مذهبی مختلف از نظر دامنه وسیعی از پدیده‌های اثرگذار بر نهادهای اقتصادی، سیاسی، آموزشی و علمی تفاوت‌های چشمگیری با هم دارند.

لنسکی بین دو نوع دینداری انجمنی و جماعتی تمایز قایل می‌شود. او دینداری انجمنی را با میزان مشارکت و حضور در برنامه‌ها و فعالیت‌های دینی رسمی و نهادینه شده که تماماً مرتبط با کلیسا و یا درگیری کلیسایی است می‌سنجد. او دینداری جماعتی را با میزان پیوندهای دوستانه و صمیمی بین هم‌کیشان در خانواده، دوستان، خویشاوندان و همسایگان و به عبارت دیگر با کسانی که در میراث فرهنگی و دینی مشترکی سهیم‌اند مورد سنجش قرار می‌دهد.

۳-۲- نظریه جنگ‌های فرهنگی

این نظریه حاصل کار جامعه‌شناسانی همچون هانت (۱۹۹۱، ۲۰۰۶) و وثنو (۱۹۸۸) می‌باشند و به وسیله آنها توسعه پیدا کرده‌است و افرادی همچون لیمن و کارماینز (۱۹۹۷) نیز آن را به کار برده‌اند. منظور از اصطلاح جنگ‌های فرهنگی، اختلافات مذهبی یعنی تفاوت‌ها در چگونگی و میزان اعتقادات و رفتارهای دینی هواداران و حامیان احزاب و گرایش‌های مختلف سیاسی است که همگی پیرو یک آیین مذهبی نیز هستند. به اعتقاد هانت محور این جنگ‌های فرهنگی، اختلافات اخلاقی و مذهبی عمیق^۱ می‌باشد. در یک سوی این اختلافات فرهنگی، افرادی با اعتقادات و دل‌بستگی‌های مذهبی سنتی و با میزان زیادی از التزامات مذهبی قرار دارند که تمایل دارند به یک منبع اقتدار اخلاقی متعالی^۲ قابل تعریف و بیرونی التزام داشته باشند و درسوی دیگر آن، افرادی با اعتقادات مذهبی مترقی و التزام مذهبی پایین‌تر هستند؛ آنها حقایق اخلاقی اردوگاه سنت‌گرایان را تماماً رد می‌کنند و به جای آن یک نوع اقتدار اخلاقی انسانی را در درون مرزهای معرفت و دایره تجربه بشری جایگزین می‌کنند. هانت و وثنو بیان می‌کنند که منازعات فرهنگی جاری، به سیاست‌های جزئی موجود شکل تازه‌ای داده‌است، به طوری که حزب جمهوری خواه را تبدیل به ائتلافی از سنت‌گرایان فرهنگی و مذهبی تمام سنت‌های دینی کرده‌است و حزب دموکرات را تبدیل به خانه لیبرال‌های اخلاقی و مذهبی. گرین (۲۰۰۷) می‌گوید: «جمهوری خواهان تجسمی از حزب معتقدان و دموکرات‌ها تجسمی از بی‌اعتقادان شدند.» (به نقل از میرزایی، ۱۳۸۸)

این مدل بر رابطه دینداری و رفتار انتخاباتی در درون یک سنت دینی و نه در بین سنت‌های دینی

^۱- deep-seated

^۲- transcendent

تأکید می‌کند، یعنی این‌که به جای یک سنت مذهبی تقویت‌کننده، راست‌گویی (اعتقاد داشتن)^۱ و التزام مذهبی (رفتار کردن)^۲ به عنوان دو بعد از دینداری، خود به خلق ارزش‌های متمایز و مشخصی در بین پیروان یک سنت مذهبی منجر می‌شوند. بر اساس این نظریه اختلافات سیاسی کلیدی بین پیروان مذاهب مختلف نیست بلکه در میان کسانی است که دارای سطح بالایی از اعتقادات و التزامات دینی (دینداری بالا) و کسانی که دارای سطح پایینی از اعتقادات و التزامات دینی هستند، در تمام سنت‌های دینی می‌باشد. اعتقادات مذهبی به این علت رفتار انتخاباتی را تحت تأثیر قرار می‌دهند که منبع ارزش‌های سیاسی و اجتماعی هستند، ارزش‌هایی که مستقیماً حمایت‌های حزبی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. عقاید الهی درباره اخلاقیات و کنش‌های اجتماعی پسندیده، اغلب ایدئولوژی‌های سیاسی افراد و هنجارهای گروهی را هدایت می‌کند. اعمال و فعالیت‌های مذهبی، اختلافات سیاسی و فرهنگی را که با محور الهیات^۳ ایجاد شده، در درون سنت‌های دینی تقویت می‌کند. افرادی که به اعمال مذهبی سنتی التزام دارند - تمایل به انجام مراسم عبادی، خواندن کتاب مقدس (تورات و انجیل)، التزام به عبادات روزانه - معتقدترین و ملتزم‌ترین پیروان تمامی سنت‌های دینی می‌باشند و در موضوعات فرهنگی همچون همجنس‌بازی، پورنوگرافی و سقط جنین موقعیت‌های محافظه‌کارانه‌ای داشته و به احزابی رأی می‌دهند که در این گونه موضوعات موقعیت محافظه‌کارانه‌ای اتخاذ کنند، مثلاً حزب جمهوری خواه در آمریکا در قبال مسایل فرهنگی یاد شده، موقعیت محافظه‌کارانه دارد، این مواضع مشابه منجر به این می‌شود که این افراد تمایل به حمایت از حزب جمهوری خواه و کاندیدایش را داشته باشند؛ در حالی که افرادی که کمتر دیندارترند^۴ در قبال این گونه موضوعات فرهنگی، لیبرال شده و از احزابی حمایت می‌کنند که در قبال این گونه مسایل موضوع لیبرالی دارند که شاهد مثال آن حزب دموکرات در آمریکا است که این افراد در رقابت‌های انتخاباتی وفاداران متعصب این حزب می‌باشند. در واقع این نظریه بیانگر این مطلب است که دینداری رأی دهندگان (رفتارها و اعتقادات مذهبی) اثری مستقل بر گرایش سیاسی و رفتار انتخاباتی‌شان دارد. به عنوان مثال، در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۴ آمریکا کسانی که اعتقادات مذهبی بالاتری داشته و بیشتر مقید به اعمال مذهبی بودند به بوش رأی دادند، در حالی که کسانی اعتقادات و رفتارهای دینی ضعیف‌تری داشتند، به کری رأی دادند. (به نقل از میرزایی، ۱۳۸۸)

به طور خلاصه می‌توان گفت که این نظریه به رابطه میزان دینداری با گرایش سیاسی افراد می‌پردازد. هر چقدر افراد دارای میزان بالاتری یا پایین‌تری از دینداری باشند، انتخاب‌هایشان به همان میزان از

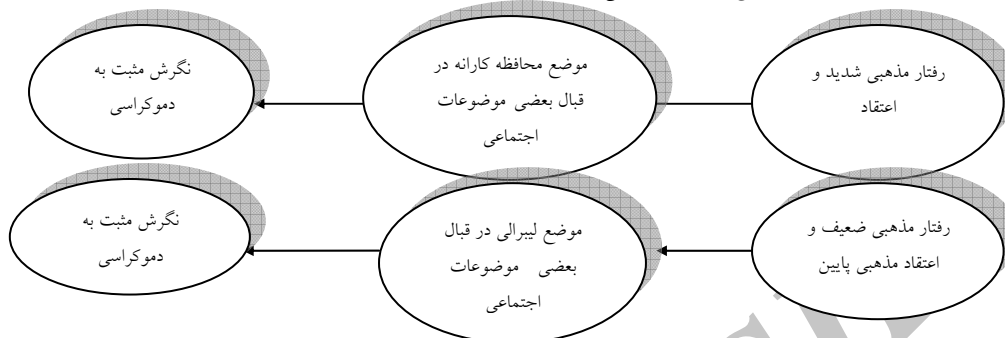
^۱- doctrinal orthodoxy (believing)

^۲- religious commitment (behaving)

^۳- theologically

^۴- devout

واریانس قابل توجهی برخوردار است، به طوری که انتظار می‌رود دو فرد هم‌کیش با دو میزان دینداری متفاوت، دارای نگرش سیاسی متفاوتی باشند. برای مثال، نتایج حاصل از تحقیقات صورت گرفته توسط اینگلهارت و نوریس (۱۳۸۷) که در قسمت ادبیات تحقیق به آنها اشاره شد، مؤید مطالب بالاست. خلاصه‌ای از آنچه گفته شد را می‌توان در شکل زیر مشاهده کرد:



۴- چارچوب نظری پژوهش

در این بخش با استفاده از نظریاتی که در قسمت‌های پیشین به آنها اشاره شده به ارائه یک الگوی نظری مناسب برای این پژوهش خواهیم پرداخت. از آنجا که هدف اصلی پرداختن به موضوع دینداری و تأثیر آن بر رفتار سیاسی خاص (نگرش نسبت به دموکراسی) می‌باشد، به نظر می‌رسد نظریه وبر با وجود کلی بودن، مناسبترین گزینه باشد. نظریاتی که به گونه‌ای مستقیم به رابطه اسلام و دموکراسی اشاره نموده‌اند، بیشتر فلسفی و کمتر جامعه‌شناختی است، از این نظر نمی‌توان مستقیماً از آنها استفاده کرد.

همچنان که گفتیم دین در اندیشه وبر یک عامل اساسی برای تبیین مسائل است. مسأله‌ای که دیگران کمتر به آن توجه نشان دادند، به ویژه آن که «وبر هم مبانی عقلی و هم مبانی عاطفی دین را در ارتباط با عوامل اجتماعی قرار می‌دهد.» در رویکرد وبر «تأکید اصلی بر روی عنصر معنابخشی دین برای فرد و جامعه است. وبر در مطالعات دین به منشأ و ماهیت دین کاری نداشت و بیشتر به دنبال رابطه برقرار کردن میان دین و زندگی بشر بود.» در واقع وبر با تأکید بر عقلانیتی که ادیان به ویژه ادیان جهانی نظیر اسلام واجد آن می‌باشند، معتقد بود که افکار مذهبی تعیین کننده جهت کنش انسان‌هاست. وی خود در این زمینه می‌نویسد: «در هر جا که جهت روش کلی زندگی به طریقی روشمند عقلانی شده باشد، آن روش کلی از ارزش‌های بنیادینی که این عقلانی شدن متوجه آنها بوده است تأثیر پذیرفته است. این ارزش‌ها و موضع‌گیری‌ها را مذهب شکل می‌دهد.»

وبر همچنین تمایزاتی را بین دین رستگاری و دین مناسکی قائل می‌شود و بیان می‌کند که دین

رستگاری با توجه صرف به آخرت، زندگی این دنیا را خوار می‌شمرد ولی دین مناسکی با ارج نهادن به دنیا سعی می‌کند تا با آن همسازی یابد. در ادیان رستگاری اعمال مناسکی و اعمال اجتماعی مثل انجام خیرات ظهور پیدا می‌کند در نتیجه ممکن است که هر چیز غیر از خدا و امور نفسانی را خوار و کوچک شمرد. در همین راستا وی از ادیانی نظیر زرتشتی، یهودیت باستان و اسلام نام می‌برد که از همان ابتدا جنبه این جهانی داشته و اموری مثل تندرستی، طول عمر و ثروت را جزء ارزش‌های اصلی خود تلقی می‌کرده‌اند. در واقع وبر بیان می‌کند که در این گونه ادیان، تعریف رستگاری معنی این دنیایی نیز دارد و بنابراین مؤمنان باید جهت رسیدن به سعادت واقعی به اموراتی که باعث توسعه و بهبود زندگی دنیوی آنها می‌شود توجه نموده و در این راستا تلاش نمایند. (آرون، ۱۳۸۴)

در مجموع بر اساس تئوری وبر می‌توان گفت تأثیر آموزه‌های ادیان بر رفتار و کنش‌های افراد بستگی به راه حلی دارد که ادیان مختلف در موضوع رسیدن به رستگاری ارائه می‌دهند. در همین راستا جهت‌گیری ادیان به «این جهانی بودن» یا «آن جهانی بودن» می‌تواند جهت‌گیری‌های فکری و رفتاری مؤمنان را مشخص نماید. البته باید توجه داشت که فارغ از ماهیت اصیل ادیان و تعالیم آنها می‌توان تفاسیر و برداشت‌های مختلفی از یک دین وجود داشته باشد و در حقیقت تأثیر آموزه‌های دینی و افراد و کنش‌هایش، به تفسیر رایج‌تر از آن دین در یک دوره خاص بستگی دارد. بر این اساس اعتقاد به «جهان پذیر» بودن دین اسلام به همراه «عقلانیت» ویژه‌ای که وبر وجود آن را در بسیاری از ادیان تأیید می‌کند می‌تواند نوید بخش حرکت در جهت تغییرات تکاملی باشد. تأکید بر عقلانیت از آن روست که در منابع معتبر از آن به عنوان پیش‌فرض اساسی و اصل مقدم دموکراسی یاد شده است. (کوهن) چرا که «عقلانیت» به انسان قدرت شناخت می‌دهد و او را مستعد می‌سازد تا «رأی» او مبنای تصمیم‌گیری‌ها قرار گیرد.

در این چارچوب حمایت مسلمانان از دموکراسی و همراهی آنان با نهادهای دموکراتیک کاملاً توجیه‌پذیر است. حداقل این است که نمی‌توان اسلام را مانعی در جهت ایجاد و قوام دموکراسی در جوامع مسلمانان دانست مگر آن که قرائت «آن جهانی» از اسلام در یک جامعه حاکم باشد در این صورت کشاکش میان رستگاری (=دینداری) و دموکراسی فرجام دیگری خواهد یافت.

۵- مروری بر پیشینه پژوهش

گرایش‌های مذهبی تا چه حد عامل تغییر در نگرش به دموکراسی در جهان اسلام بوده‌اند؟ برای دستیابی به پاسخ به دو گروه از تحقیقات می‌توان رجوع کرد و یافته‌های این تحقیق نیز می‌تواند در این میان سهمی داشته باشد. گروه اول به موضوع رابطه بین اسلام و دموکراسی می‌پردازد و بیشتر بر موضوع

اصول و تفکرسیاسی تمرکز می‌کند. گروه دوم شامل مطالعات تجربی می‌باشند که تأثیر مذهب و دینداری بر نگرش‌های سیاسی مختلف در کشورهای غربی را بررسی کرده‌اند.

تلاش‌ها برای بررسی الگوهای عمده سیاسی جهان و تغییرات تاریخی در چشم‌انداز سیاسی جهان، اغلب به فرهنگ سیاسی به عنوان یک عامل تبیینی روی آورده‌اند. اینگلهارت^۱ ادعا می‌کند که عقاید توده مردم تأثیر عمیقی بر روی نوع حکومت دارد. «الگوهای فرهنگی به محض تثبیت شدن، خودمختاری قابل ملاحظه‌ای پیدا می‌کنند و می‌توانند بر رویدادهای اقتصادی و سیاسی بعدی تأثیر بگذارند.» او فرهنگ-سیاسی را یک حلقه ضروری بین دموکراسی و توسعه اقتصادی می‌داند و اعتقاد دارد که همبستگی مشاهده شده بین توسعه و دموکراسی عمدتاً از وابستگی آن به ساختار اجتماعی و فرهنگ سیاسی ناشی می‌شود که در این بین فرهنگ سیاسی از ساختار اجتماعی مهم‌تر است. اینگلهارت بر مبنای یک تحقیق انجام شده در ۲۴ کشور ادعا می‌کند که مسیر حرکت به سمت دموکراسی در کشورهای اروپایی و انگلیسی-آمریکایی حول یکسری تغییرات اجتماعی فرهنگی در طول یک دوره زمانی طولانی می‌چرخد. او معتقد است که رشد پروتستانیسیم پذیرش عمومی کاپیتالیسیم را افزایش داد و با رشد کاپیتالیسیم سطوح بالاتری از توسعه اقتصادی حاصل شد. رفاه عمومی به وجود آمده باعث افزایش در اعتماد بین فردی در میان شهروندان و در نهایت ایجاد «مجموعه پایداری» از جهت‌گیری‌ها شد که تقریباً متناظر با «فرهنگ مدنی» مورد بحث^۲ آلموند^۳ و وربا^۴ شد. این فرهنگ مدنی منجر به ایجاد و تحکیم دولت‌های دموکراتیک شده است. اینگلهارت خاطر نشان می‌کند که سنت پروتستان ممکن است امروزه دیگر نقش اصلی را بازی نکند و ممکن است مسیرهای دیگری به سمت دموکراتیزاسیون وجود داشته باشد از جمله یک مسیر آسیایی دربرگیرنده مکتب کنفوسیوس (Seligson & Booth, 1999).

اهمیت فرهنگ سیاسی در تعداد زیادی از مطالعات تجربی انجام شده در دموکراسی‌های جدید مورد تأیید قرار گرفته است. این موضوع برای مثال در نتیجه‌گیری‌های مین وارینگ^۴ در مورد دلایل موفق‌تر بودن تحکیم دموکراتیک در آمریکای لاتین به بسیاری از مناطق در حال توسعه دیگر به چشم می‌خورد. او می‌نویسد یک عامل مهم «که به ماندگاری بیشتر دموکراسی‌های آمریکایی لاتین کمک کرده است مربوط به تغییر در نگرش‌های سیاسی در ارزش گذاری بیشتر به دموکراسی می‌باشد.» چو، دیاموند و

^۱ -Inglehart

^۲ -Almond

^۳ -Verba

^۴ - Mainwaring

شین^۱ در تحقیق انجام شده خود در کره و تایوان به ارزیابی مشابهی می‌رسند و اعلام می‌کنند که تثبیت گذر دموکراتیک مستلزم «اعتقاد درونی و همیشگی به مشروعیت دموکراسی و تعهد به آن در بین شهروندان در مقیاس وسیع می‌باشد.» این مباحث را اینگلهارت به صورت زیر خلاصه می‌کند: «دموکراسی صرفاً با انجام تغییرات نهادی یا از طریق تمرین در سطح نخبگان محقق نمی‌شود. بقای آن به ارزش‌ها و اعتقادات شهروندان عادی نیز بستگی دارد.» قابلیت اعمال این نتایج به جهان عرب به وسیله هر یک^۲ خاطر نشان می‌شود: «در بلندمدت، یک حکومت دموکراتیک به یک فرهنگ سیاسی دموکراتیک نیاز دارد و برعکس.» (2002, Tessler)

فارز ال بریزات در تحقیقی تحت عنوان «مسلمانان و دموکراسی» با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی WVS و پیمایش ارزش‌های اروپایی EVS که ۸۰ درصد جمعیت جهان را در بر می‌گرفت به این نتیجه می‌رسد که دینداری به طور عام و مسلمان بودن به طور خاص یک متغیر تبیینی برای دموکراسی یا اقتدارگرایی نیست و او بر اهمیت توسعه انسانی و ساختار فرصت سیاسی تأکید می‌کند. (al-Braizat 2005)

مارک تسلر پیمایشی با عنوان «آیا گرایش اسلامی بر نگرش به دموکراسی در جهان عرب تأثیر می‌گذارد؟» در چهار کشور مصر، اردن، مراکش و الجزایر انجام داده و نتیجه‌گیری می‌کند که حداقل در سطح تحلیل فردی شواهد کمی وجود دارد که ادعای ناسازگاری بین اسلام و دموکراسی را تأیید کند. دلایل این‌که دموکراسی در جهان عرب راه نیافته است را شاید بتوان در ساختارهای اقتصادی داخلی، نظم اقتصادی و سیاسی بین‌المللی و یا مقاومت رهبران این کشورها در برابر هرگونه تغییر سیاسی پیدا کرد و نه در اسلام و دینداری مسلمانان. (Tessler M. b. 2002)

مارک تسلر در تحقیق دیگری در ترکیه با همکاری ابرو آلتین اوغلو تحت عنوان «فرهنگ سیاسی در ترکیه: ارتباط بین نگرش به دموکراسی، ارتش و اسلام» با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی در ترکیه در سال ۱۹۹۷ این گونه نتیجه می‌گیرد که «به نظر نمی‌رسد گرایش‌های قوی اسلامی مانع از بروز نگرش‌های موافق دموکراسی شود.» همچنین ادعا می‌کند که «در صورت کنترل عوامل دیگر، به نظر می‌رسد که دینداری رابطه‌ی معکوس دارد با اهمیتی که فرد برای آزادی سیاسی قایل می‌شود. دینداری با حمایت از دموکراسی رابطه‌ای ندارد و این گونه نیست که افراد دیندار نسبت به افراد غیردیندار

^۱- Chu, Diamond and Shin

^۲- Harik

دموکرات‌های واقعی نباشند.» (Altinoglu & Tessler, 2004)

در تحقیق دیگری در سال ۲۰۰۵ تحت عنوان «اسلام و دموکراسی: یک چشم انداز جهانی»، مین هوا هونگ با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی نتیجه می‌گیرد که اسلام عامل اصلی در فقدان گرایش دموکراتیک نیست اما عوامل فرهنگی بر چگونگی تفکر افراد در مورد سیاست و مذهب تأثیر می‌گذارند. او می‌گوید مسلمانان به مانند مردم کشورهای پیشرفته غربی اعتقاد زیادی به دموکراسی دارند اما آنها دموکراسی را یک مذهب سیاسی می‌دانند. (Huang, 2005)

علی‌رغم مباحث مختلفی که در باب نسبت بین دین و دموکراسی و تضاد یا همخوانی بین آنها در داخل کشور وجود دارد، اما پژوهش‌های تجربی معدودی در مورد بررسی رابطه بین این دو موضوع در داخل کشور انجام شده‌است. محمد دلبری در تحقیقی تحت عنوان بررسی رابطه بین دینداری و نگرش نسبت به دموکراسی که در سال ۱۳۸۳ در نمونه‌ای از ۳۸۳ دانشجوی دانشگاه شیراز انجام داد به این نتیجه رسید که بین متغیرهای بعد عاطفی دینداری، بعد مناسکی دینداری، بعد اعتقادی دینداری، بعد پیامدی دینداری و میزان کل دینداری با نگرش به دموکراسی رابطه معناداری وجود دارد. (دلبری، ۱۳۸۳)

نورالدین الله‌دادی (۱۳۸۶) به این نتیجه رسیده‌است که بین دینداری و باورپذیری دموکراسی رابطه معناداری وجود ندارد، بدین معنا که میزان دینداری افراد بر میزان باورهای دموکراتیک آنها تأثیری ندارد. (الله دادی، ۱۳۸۶)

نتایج تحقیق مهدی میرزایی (۱۳۸۸) حاکی از آن بود که نوع و میزان دینداری اثر معناداری بر رفتار انتخاباتی دارد. (میرزایی، ۱۳۸۸)

معدود پژوهش‌های انجام‌شده در داخل که به نحوی با تحقیق ما ارتباط دارند عمدتاً در محیط‌های دانشگاهی انجام شده‌اند و بدیهی است با توجه به خاص بودن قشر دانشگاهی و سطح تحصیلات آنها، یافته‌های این تحقیقات قابل تعمیم به مردم عادی نمی‌باشد.

بخش اعظم پژوهش‌های خارجی با استفاده از پیمایش ارزش‌های جهانی انجام شده است. در مورد اعتبار و قابلیت تعمیم داده‌های این پیمایش‌ها تردیدهایی وجود دارد. حتی برخی از خود این محققان اذعان دارند که «اگر چه پیمایش ارزش‌های جهانی چندین سال است که در بین محققین علوم اجتماعی و سیاسی شهرت زیادی یافته‌اند اما هنوز هم در مورد کیفیت سنجش‌های آن تردیدهایی وجود دارد که این از رویکرد آن نسبت به موضوعاتی همچون مفهوم سازی، طراحی پرسشنامه، شیوه نمونه‌گیری، آموزش مصاحبه‌کنندگان و شیوه اجرا ناشی می‌شود.» (Huang, 2005)

نتایج تحقیقات انجام شده در سایر کشورها از جمله کشورهای عربی و ترکیه را با توجه به

فرهنگ‌های متفاوت این کشورها نسبت به ایران و همچنین با توجه به این‌که این کشورها عمدتاً اهل تسنن می‌باشند شاید نتوان به مردم عمدتاً شیعی مذهب ایران تعمیم داد.

۶- روش پژوهش

از آنجا که محدودیت‌های زمانی تحقیق فرصت بررسی‌های طولی را فراهم نمی‌آورد این تحقیق از لحاظ زمانی جزء بررسی‌های مقطعی است، از طرف دیگر چون متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق را با استفاده از پرسش‌های معمول می‌توان سنجید، از روش پیمایش برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق شهروندان شهر نیشابور می‌باشد. با توجه به موضوع تحقیق، جمعیت فعال و واجد شرایط رأی دادن یعنی سنین بین ۱۸ تا ۶۰ سال انتخاب شده است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه است که بعد از مشاهده و مصاحبه‌های اکتشافی طراحی و سپس از آنجا که پرسشنامه حاوی سؤالات حساس مربوط به اعتقادات سیاسی و مذهبی افراد بود پرسشنامه تنها در بین افراد با سواد توزیع شد زیرا در صورت توزیع پرسشنامه در بین افراد بی‌سواد از آن جا که باید سؤالات برای آنها خوانده می‌شد احتمال دریافت پاسخ‌های غیر واقعی زیاد بود.

در این پژوهش جهت نمونه‌گیری از روش احتمالی متناسب با حجم نمونه (PPS) استفاده شده است که شیوه‌ای از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. در مرحله اول سعی کردیم شهر را به پنج منطقه فرهنگی مختلف تفکیک کنیم. در مرحله دوم داده‌های مورد نیاز از هر منطقه بر حسب شیوه تصادفی و البته بر اساس تمایل افراد به همکاری جهت پر کردن پرسشنامه جمع‌آوری شد. در تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده که تعداد ۲۹۵ نفر تعیین گردید. داده‌های لازم پس از جمع‌آوری، از طریق نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده و سپس به منظور بررسی احتمالی رابطه بین متغیرهای فرضیه از روش آمار استنباطی کی دو، تحلیل واریانس، ضریب همبستگی، رگرسیون، تحلیل عاملی و آماره‌های دیگر استفاده گردیده است.

۷- اعتبار و پایایی مقیاس‌ها

منظور ما از اعتبار اندازه‌گیری میزان دقت و صحت معرف‌های انتخاب شده برای سنجش مفاهیم است. (گیدنز، ۱۳۸۴) برای دستیابی به اعتماد در باب معرف‌های تجربی به دو شیوه عمل شده است: ۱- مراجعه به تحقیقات پیشین. ۲- اعتبار صوری. منظور از اعتبار صوری میزان توافق متخصصان یک امر در رابطه با یک شاخص یا معیار است. (گیدنز، ۱۳۸۴) در این قسمت با مراجعه به اساتید راهنما و حذف

و تغییر برخی گویه‌ها، پیرو نظر ایشان، سعی کردیم اعتبار گویه‌ها را افزایش دهیم. در این تحقیق به منظور افزایش درجه اطمینان از پایایی گویه‌ها قبل از توزیع گسترده پرسشنامه به عنوان پیش‌آزمون ۶۰ پرسشنامه به‌طور تصادفی بین شهروندان توزیع و پس از شنیدن نظرات برخی افراد درباره جمله‌بندی، صراحت و... پرسشنامه نسبت به اصلاح آن اقدام کردیم. همچنین از روش همسازی درونی که یکی از روش‌های تحلیل پایایی است به منظور بررسی سازگاری درونی سؤالات پرسشنامه استفاده شده است. مقدار ضریب آلفای کرونباخ متغیر دینداری با ۲۰ گویه ۰.۸۷۰ است که نشان می‌دهد که گویه‌های در نظر گرفته شده جهت سنجش آن همبستگی درونی بالایی دارند. مقدار آلفای کرونباخ متغیر نگرش به دموکراسی با ۲۰ گویه ۰.۷۹۸ است، که نشان می‌دهد گویه‌هایی که جهت سنجش این متغیر طراحی شده‌اند مناسب بوده و همبستگی درونی بالایی دارند. بنابراین می‌توان گفت که مقیاس‌های مورد استفاده از پایداری درونی مطلوبی برخوردار بوده‌اند.

۸- فرضیات پژوهش

- ۱- بین ابعاد دینداری پاسخگویان و میزان نگرش نسبت به دموکراسی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- بین میزان دینداری پاسخگویان و میزان نگرش نسبت به دموکراسی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- بین جنس پاسخگویان و میزان نگرش نسبت به دموکراسی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۴- بین سن پاسخگویان و میزان نگرش نسبت به دموکراسی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۵- بین تأهل پاسخگویان و میزان نگرش نسبت به دموکراسی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۶- بین شغل پاسخگویان و میزان نگرش نسبت به دموکراسی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۷- بین میزان تحصیلات پاسخگویان و میزان نگرش نسبت به دموکراسی رابطه معناداری وجود دارد.

۹- تعریف مفاهیم: تعریف نظری و عملی متغیرها

۹-۱- متغیر وابسته: نگرش به دموکراسی

نگرش به دموکراسی در بر گیرنده اطلاعات و دانسته‌های فرد در مورد دموکراسی، احساس خوب یا بد، مثبت یا منفی، مفید یا غیرمفید بودن دموکراسی توسط فرد و آمادگی شخص برای عمل دموکراتیک می‌باشد. در این تحقیق کوشیده‌ایم با توجه به تعریف و ابعاد نگرش و ابعاد ذکر شده برای دموکراسی گویه‌های زیر را طراحی کنیم تا نگرش شهروندان را نسبت به دموکراسی بسنجیم.

۱- به نظر من وظیفه‌ی حکومت تأمین امنیت جانی و مالی تمام اعضای جامعه بدون هیچگونه استثنایی

است.

- ۲- حکومت باید سلامت و بهداشت مطلوب شهروندان در تمام مراحل زندگی شان را تأمین کند.
- ۳- بایستی خسارتی که به واسطه سوءمدیریت مسئولان به شهروندان می‌رسد، توسط حکومت جبران شود.
- ۴- آزادی بیان، آزادی اجتماعات و راهپیمایی اعتراضی حق همه مردم اعم از مخالف و موافق حکومت است.
- ۵- تمام احزاب و گروه‌های سیاسی - چه مخالف و چه موافق حکومت- باید برای عضوگیری آزاد باشند و بتوانند برای کسب قدرت تلاش نمایند.
- ۶- همه شهروندان بایستی از حق دستیابی به بیمه و مزایای بیکاری و بازنشستگی به‌طور یکسان برخوردار باشند.
- ۷- شهروندان باید در دسترسی به اطلاعات حکومت محدودیت داشته باشند.
- ۸- از آنجا که توده مردم کم اطلاع و خطاپذیرند، لزومی ندارد که حکومت به خواسته‌ها و علایق آنها اعتنا نماید.
- ۹- حکومت نسبت به تأمین نیازهای اساسی شهروندان از قبیل غذای کافی، کار و سرپناه هیچ مسؤولیتی ندارد.
- ۱۰- به نظر من همه‌ی مردم حق دارند در انتخابات آزاد افراد مورد نظر خود را برای پست‌های حکومتی انتخاب نمایند.
- ۱۱- حکومت حق دارد از نامزد شدن افراد مخالف خود در انتخابات به شیوه‌های ممکن جلوگیری نماید.
- ۱۲- حکومت حق دارد صلاحیت‌های نامزدهای انتخابات را قبل از انتخاب شدن توسط مردم مورد بررسی قرار دهد.
- ۱۳- حکومت می‌تواند نتیجه انتخاباتی را که به صلاح نمی‌داند باطل نماید.
- ۱۴- سانسور روزنامه‌ها و کتاب‌ها برای جامعه مفید و لازم است.
- ۱۵- احزاب باید به گونه‌ای باشند که همه‌ی گروه‌های سیاسی، مذهبی، قومی و زبانی در جامعه را شامل شوند.
- ۱۶- همه شهروندان باید به یک اندازه، امکان برخورداری از آموزش و تحصیلات را تا سطح دلخواه داشته باشند.
- ۱۷- لازم است حکومت، اعتماد مردم را درباره سلامت دستگاه‌های اجرایی و دوری آنها از فساد جلب نماید.
- ۱۸- مسلمانان و غیرمسلمانان تابع یک کشور باید از حقوق اجتماعی - اقتصادی یکسانی برخوردار باشند.

- ۱۹- به نظر من در جامعه ما فقط مسلمانان باید به پست‌ها و مناصب حکومتی دست یابند.
۲۰- مردان و زنان باید به طور مساوی از حقوق اجتماعی- اقتصادی برخوردار باشند.

۲-۹- متغیر مستقل

۱-۲-۹- میزان دینداری

میزان تأثیر و تجلی کم یا زیاد دین در ذهن، روان و رفتار فرد است که دارای ابعاد پنجگانه معتقد بودن؛ مومن بودن؛ اهل عبادت بودن؛ اخلاقی عمل کردن؛ متشرع بودن می‌باشد. (احمدی، ۱۳۸۸) بیشتر تحقیقات تجربی که چند بعدی بودن دینداری را آزمون کرده‌اند، درون فرهنگ غربی، به ویژه در آمریکا صورت گرفته‌اند. بنابراین، برای عرضه الگویی بین فرهنگی از دینداری، باید مطالعات مربوط به سنجش دینداری در میان فرهنگ‌ها و ادیان دیگر را هم دنبال کرد. از بین مدل‌های داخلی، مدل شجاعی زند (۱۳۸۴) به علت بومی بودن، استفاده قبلی در یک پژوهش دانشگاهی و معتبر شناخته شدن آن در کنار مدل گلاک و استارک (۱۹۶۵، ۱۹۷۰)، به عنوان پرکاربردترین مدل غربی در تحقیقات دانشگاهی، جهت تعریف عملی دینداری استفاده می‌شود. معرفی وجوه مختلف دین برحسب آموزه‌های اسلامی و از آن طریق شناسایی ابعاد و معرفی مدل دینداری، از جمله تلاش‌هایی است که در مدل شجاعی زند دیده می‌شود. شجاعی زند در مدل پیشنهادی خود علاوه بر ابعاد دینداری که حداقل‌های مذهبی بودن هستند به نشانه‌ها و پی‌آمدهای دینداری نیز اشاره دارد. (میرزایی، ۱۳۸۸)

در نتیجه متغیر وابسته دینداری در ۴ بعد اعتقادی، مناسکی، پیامدی و شرعیات در قالب گویه‌هایی مورد سنجش قرار گرفته است. در این مدل تمامی گویه‌ها در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت سنجیده شده‌اند.

۲-۲-۹- بعد اعتقادی: اعتقادات محتوای نظری یک آیین است که ناظر به موضوعات بنیادین هستی شناختی و مسائل غایی حیات است، باورهایی که انتظار می‌رود پیرامون دین اسلام، افراد بدان‌ها اعتقاد داشته باشند. در این تحقیق سه باور اعتقاد به کفایت دین، شفاعت ائمه، حیات بعد از مرگ و حسابرسی در دنیای دیگر مورد سؤال واقع شدند. (میرزایی، ۱۳۸۸)

۲-۲-۹- بعد مناسکی: منظور از مناسک، کلیه رفتار و آدابی است که فرد در مقام پرستش، نسبت به پروردگار و معبود خویش انجام می‌دهد. عبادت می‌تواند به صورت فردی جمعی و در خلوت یا جلوت اجرا شود. در این پژوهش عبادات فردی که شامل نماز، تلاوت قرآن و روزه مستحبی و عبادات جمعی یا مناسک که شامل نماز جماعت، نماز جمعه، اعتکاف و دعا در شب‌های احیاء می‌باشد، مورد سؤال واقع شده‌اند. (میرزایی، ۱۳۸۸)

۹-۲-۴- بعد پیامدی: تواسی و نواهی دینی مربوط به حوزه نیکویی شناسی را «اخلاق» می‌گویند و آن به داشتن تعامل پسندیده با دیگران مربوط می‌شود. اخلاق از آن حیث که به ساماندهی حیات دنیوی و سلوک جمعی انسان‌ها توجه دارد، با فقه قرین است؛ اما از آنجا که فراتر از صورت عمل که در چارچوبه-های فقهی بیان می‌شود، نظر می‌کند، با آن مغایر. اخلاق همچون فقه به وجه رفتاری دین معطوف است، اما برخلاف آن که نسبت به نیت فرد و ارزشمندی عمل، لابقضاء است؛ به خیرخواهی فاعل و فحوای ارزشی و متفاضلانہ عمل، تأکید دارد. (میرزایی، ۱۳۸۸)

پیامدها در سه سطح نگرش اخلاقی، فعل اخلاقی و صفت اخلاقی مطرح می‌شود. در سطح «فعل اخلاقی» این بحث مطرح می‌باشد که فرد در موقعیت عمل چه رفتاری انجام می‌دهد که این سطح در مدل ما به عنوان بعدی از دینداری در نظر گرفته شده است که با شاخصه‌های دروغ نگفتن، غیبت نکردن و بخشش و گذشت مورد سنجش قرار گرفته است.

۹-۲-۵- بعد شرعیات:

شریعت، مجموعه دستورات و اوامر صریح و غیرصریح دینی است که در اسلام به عنوان فقه در صورتی که دستوالعمل‌های عبادی را از آن جدا کنیم، خوانده می‌شود. شرعیات مقرراتی است حداقلی که نحوه زندگی در دنیا و تعامل با خود، طبیعت و دیگران را تعیین می‌کند. (میرزایی، ۱۳۸۸)

این بعد به دو بخش تکالیف فردی و جمعی قابل تقسیم است. تکالیف فردی در این پژوهش شامل ظاهر دینی، وضعیت ارتباط با نامحرم و تقلید می‌باشد و تکالیف جمعی نیز شامل ازدواج، معاملات، شرکت در مجالس عزاداری و سرور و امر به معروف نهی از منکر می‌باشد.

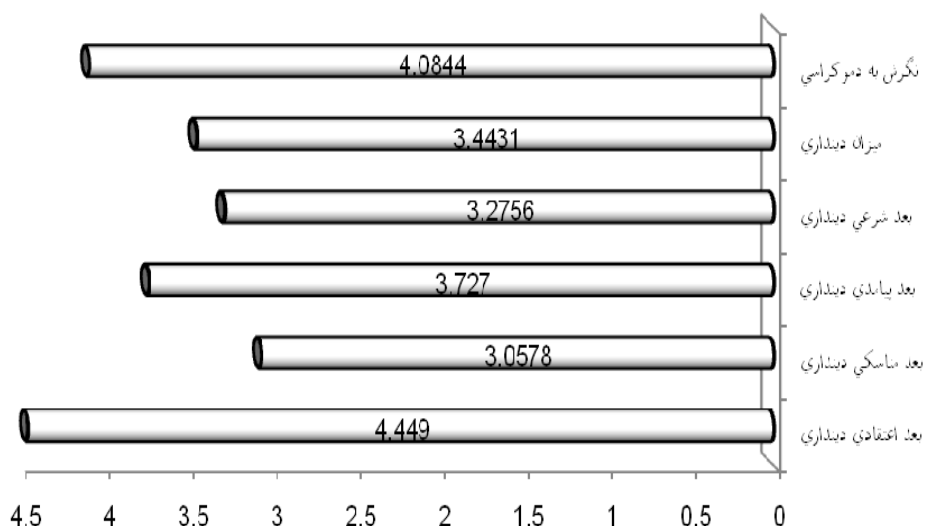
در نهایت نمره دینداری، در هریک از ابعاد دینداری، از مجموع نمرات گویه‌های هر بعد و نمره کل دینداری نیز از مجموع نمرات ابعاد مختلف حاصل می‌آید.

۱۰- یافته‌های پژوهش

۱۰-۱- مشخصات عمومی پاسخگویان

میانگین سنی پاسخگویان ۳۱ سال است. این در حالی است که ۳۰.۲ درصد پاسخگویان مجرد و ۶۹.۸ درصد متأهل می‌باشند. همچنین ۵۳ درصد پاسخگویان تحصیلاتی زیر دیپلم دارند، ۴۰ درصد تحصیلاتی در حد فوق دیپلم و لیسانس داشته و ۳.۴ درصد نیز تحصیلاتی در حد فوق لیسانس و بالاتر دارند. از نظر شغلی نیز اکثر پاسخگویان یعنی ۲۷.۵ درصد کارمند هستند، ۲۶.۸ درصد شغل آزاد دارند، ۲۱.۴ درصد

بیکار بوده، ۱۹ درصد خانه‌دار هستند و ۵.۴ درصد پاسخگویان نیز بیکار می‌باشند.
 نمودار(۱): آماره‌های توصیفی شاخص‌های تحقیق



میانگین نمرات ابعاد دینداری با توجه به آنچه در نمودار بالا می‌بینیم، نشان دهنده آن است که میزان دینداری پاسخگویان، متوسط و در حد بالایی می‌باشد. همچنین میانگین نمره نگرش پاسخگویان به دموکراسی، نشان می‌دهد که اکثر پاسخگویان نگرش مثبت به دموکراسی دارند.

۱۱-آزمون فرضیات مربوط به متغیرهای جمعیت شناختی تحقیق

همانطور که در جدول زیر نشان می‌دهد؛ نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه رابطه بین جنسیت و نگرش به دموکراسی نشان می‌دهد که میانگین نگرش مردان به دموکراسی ۴.۱۰ و میانگین نگرش زنان به دموکراسی ۴.۰۶ است یعنی مردان با تفاوت بسیار ناچیزی نگرش مثبت‌تری نسبت به دموکراسی در مقابل زنان دارند. اما وجود رابطه معناداری مشخص نشده است. این وضعیت در مورد متغیرها سن، تأهل و شغل نیز صادق است. تنها متغیر تحصیلات است که در رابطه معناداری با متغیر وابسته تحقیق قرار گرفته است. به عبارتی هرچه سطح تحصیلات پاسخگویان بالاتر است نگرش آنان به دموکراسی مثبت‌تر می‌باشد و

برعکس. همچنین در مورد نتایج به دست آمده از آزمون فرضیات اصلی پژوهش مشاهده می‌کنیم که بین ابعاد دینداری و نگرش به دموکراسی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۱): آزمون فرضیات اصلی تحقیق

متغیر مستقل	متغیر وابسته	آزمون مورد استفاده	مقدار ضریب همبستگی	سطح معناداری	تأیید یا رد فرضیه
بعد اعتقادی دینداری	نگرش به دموکراسی	ضریب پیرسون	-۰.۲۰۵	۰.۰۰۰	تأیید
بعد مناسکی دینداری	نگرش به دموکراسی	ضریب پیرسون	-۰.۲۹۷	۰.۰۰۰	تأیید
بعد پیامدی دینداری	نگرش به دموکراسی	ضریب پیرسون	۰.۲۰۹	۰.۰۰۰	تأیید
بعد شرعی دینداری	نگرش به دموکراسی	ضریب اسپیرمن	-۰.۳۶۲	۰.۰۰۰	تأیید
میزان دینداری	نگرش به دموکراسی	ضریب پیرسون	-۰.۳۱۱	۰.۰۰۰	تأیید
جنسیت	نگرش به دموکراسی	t-test	۰.۸۲۹	۰.۴۰۸	رد
سن	نگرش به دموکراسی	اسپیرمن	۰.۰۵۵	۰.۳۴۳	رد
وضعیت تأهل	نگرش به دموکراسی	t-test	۱.۹۱۹	۰.۰۵۶	رد
شغل	نگرش به دموکراسی	Anova	۱.۳۵۲	۰.۲۵۱	رد
میزان تحصیلات	نگرش به دموکراسی	D somers	۰.۱۲۲	۰.۰۱۵	تأیید

۱۲- تحلیل رگرسیون چند متغیره برای متغیرهای مستقل (سن، جنسیت، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، شغل، میزان دینداری): در تحلیل رگرسیونی، تنها متغیری که به مدل رگرسیون راه یافته است، متغیر میزان دینداری می‌باشد. این متغیر به تنهایی ۱۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند

و سایر تغییرات متغیر نگرش به دموکراسی به متغیرهایی وابسته است که در مدل رگرسیون پیش‌بینی نشده است.

۱۳- تحلیل رگرسیون چند متغیره برای متغیرهای مستقل: ابعاد دینداری (بعد پیامدی، بعد شرعی، بعد مناسکی، بعد اعتقادی):

جدول زیر نشان می‌دهد که متغیرهای ابعاد دینداری در دو مرحله وارد مدل رگرسیون شده‌اند. در گام اول متغیر بعد شرعی دینداری که مقدار ضریب همبستگی چندگانه آن با متغیر نگرش به دموکراسی ۰.۳۶۲ است وارد مدل شده، این متغیر به تنهایی ۱۳ درصد از تغییرات متغیر نگرش به دموکراسی را تبیین می‌کند زیرا مقدار ضریب تعیین آن ۰.۱۳۱ است. در مرحله دوم نیز متغیر بعد پیامدی دینداری به متغیر بعد شرعی افزوده شده است که این دو متغیر در مجموع ۱۹ درصد از تغییرات متغیر نگرش به دموکراسی را تبیین می‌کنند زیرا ضریب تعیین در گام دوم ۰.۱۹۷ است.

جدول آماره‌های مربوط به متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون

مدل رگرسیون	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
مرحله اول	۰.۳۶۲	۰.۱۳۱	۰.۱۲۸
مرحله دوم	۰.۴۴۴	۰.۱۹۷	۰.۱۹۲

همچنین براساس جدول زیر، همان‌طور که مشاهده می‌شود در مرحله اول که متغیر بعد شرعی دینداری به مدل راه یافته است مقدار ضریب تأثیر ۰.۳۶۲- است که نشان می‌دهد شدت رابطه بین این دو متغیر در حد متوسط است و جهت رابطه نیز معکوس است یعنی هرچه بعد شرعی دینداری بالاتر است نگرش به دموکراسی در افراد منفی‌تر است و برعکس و با توجه به این‌که سطح معناداری نیز کمتر از ۰.۰۱ (Sig=000) است بنابراین می‌توان گفت که وجود رابطه خطی بین این دو متغیر قابل تعمیم به جامعه آماری است.

در مرحله دوم نیز که متغیر بعد پیامدی دینداری به بعد شرعی افزوده شده است. مقدار ضریب تأثیر متغیر بعد شرعی به عدد ۰.۴۰۶- رسیده است و مقدار ضریب تأثیر متغیر بعد پیامدی دینداری ۰.۲۶۱ است. یعنی شدت تأثیر متغیر بعد پیامدی دینداری از ۰.۳۶۲- به ۰.۴۰۶- افزوده شده است. با توجه به مقدار ضریب تأثیر در مرحله آخر رگرسیون (مرحله دوم) می‌توان گفت که در بین ابعاد دینداری مؤثرترین متغیر بر نگرش به دموکراسی بعد شرعی دینداری می‌باشد که مقدار ضریب تأثیر آن

بیشتر از سایر متغیرها می‌باشد. سایر ابعاد دینداری یعنی بعد مناسکی آن و بعد اعتقادی دینداری در تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر روی یکدیگر در مدل رگرسیون حذف شده‌اند.

جدول (۳): ضرایب رگرسیونی

سطح معناداری	t	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		مدل رگرسیون
		ضریب تأثیر	خطای استاندارد	ضریب تأثیر	
۰.۰۰۰	۴۷.۱۱۹	۰.۰۰۰	۰.۱۰۰	۴.۷۳۲	۱ مقدار ثابت
۰.۰۰۰	-۶.۶۵۳	-۰.۳۶۲	۰.۰۳۰	-۰.۱۹۸	بعدشرعی دینداری
۰.۰۰۰	۲۹.۷۱۵	۰.۰۰۰	۰.۱۴۲	۴.۲۲۱	۲ مقدار ثابت
۰.۰۰۰	-۷.۶۳۲	-۰.۴۰۶	۰.۰۲۹	-۰.۲۲۱	بعدشرعی دینداری
۰.۰۰۰	۴.۹۰۶	۰.۲۶۱	۰.۰۳۲	۰.۱۵۸	بعدپیمادی دینداری

۱۴- بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس چارچوب نظری تحقیق که بر اساس نظریات وبر، لنسکی و نظریه جنگ‌های فرهنگی شکل گرفته‌است افکار مذهبی تعیین‌کننده جهت کنش انسان‌هاست. یعنی این که اعتقادات فرد بر جهت‌گیری‌های فکری فرد در کلیه حوزه‌ها از جمله اجتماع، اقتصاد و سیاست تأثیر می‌گذارد. افرادی که دارای میزان دینداری بالاتر هستند دارای افکار و نگرش‌های سنتی‌تر در موضوعات مختلف از جمله سیاست می‌باشند و افرادی که میزان دینداری پایین‌تری دارند در حوزه‌های مختلف دیدگاه لیبرال‌تری دارند. در نتیجه انتظار می‌رفت که گروه اول در مورد دموکراسی که نظامی سیاسی مبتنی بر اصول لیبرالی و تساهل و تسامح می‌باشد نگرش منفی‌تری نسبت به گروه دوم داشته باشند.

در زمینه متغیرهای جمعیت شناختی نیز انتظار می‌رفت که با بالاتر رفتن سن افراد، آنها به دیدگاه محافظه کارانه‌تری نزدیک شده و نگرش منفی‌تری نیز به دموکراسی داشته باشند. در مورد ازدواج نیز انتظار می‌رفت با توجه به اینکه تشکیل خانواده ایجاد یک سری الزامات و قیدها در در فرد ایجاد می‌کند، در فرد دیدگاه محافظه کارانه‌تری به موضوعات مختلف پیدا کنند و افراد مجرد نگرش مثبت‌تری به دموکراسی داشته باشند. در مورد زنان نیز با توجه به تحقیقات قبلی که عمدتاً بیانگر دیندارتر بودن زنان نسبت به مردان بود و نظر به فرضیات اصلی پژوهش انتظار می‌رفت که زنان نگرش منفی‌تری به دموکراسی داشته باشند.

آزمون فرضیات تا حدود زیادی بخش‌اول فرضیات ما که مربوط به رابطه دینداری و ابعاد آن با نگرش به دموکراسی بود را تأیید می‌کند. که این برخلاف یافته‌های بخش عمده تحقیقات خارجی از جمله فارزال بریزات، مارک تسلر و مین‌هوا هونگ و برخی تحقیقات داخلی از جمله الله‌دادی است و با یافته‌های دلبری و میرزایی همخوانی دارد.

نکته قابل توجه در مورد آزمون این فرضیات، رابطه مثبت و مستقیم بین بعد پیامدی دینداری و نگرش به دموکراسی است. طبق آنچه که در تعریف نظری بعد پیامدی گفته شد بعد پیامدی دینداری با اخلاقی عمل کردن مترادف گرفته شده‌است. براساس یافته‌های این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت کسانی که دین به عنوان مجموعه‌ای از فرامین برای درست عمل کردن در زندگی است بر زندگی آنان اثر واقعی داشته‌است، نسبت به دموکراسی که در معنای واقعی آن فراهم کردن فرصت‌های برابر برای تمامی انسان‌ها صرفنظر از رنگ، نژاد، قومیت و دین است اعتقاد داشته و نگرش مثبتی نیز به دموکراسی دارند.

در مقابل، یافته دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد این است که هر چقدر افراد به بعد شرعی دینداری اعتقاد بیشتری دارند نگرش منفی‌تری به دموکراسی دارند. این موضوع نیز با توجه به اینکه از نظر شرعی مسائلی همچون برابری زن و مرد و تساوی افراد صرفنظر از دین و میزان اعتقاد که از مبانی دموکراسی می‌باشند پذیرفته نیست قابل توجیه است.

در رابطه با موضوع طرح شده در بیان مسأله در مورد اینکه بخش اعظم کشورهای غیر دموکراتیک کشورهای مسلمان هستند شاید بتوان به ادعای اینگلههارت رجوع کرد که ادعا می‌کند که عقاید توده مردم تأثیر عمیقی بر روی نوع حکومت دارد. «الگوهای فرهنگی به محض تثبیت شدن، خودمختاری قابل-ملاحظه‌ای پیدا می‌کنند و می‌توانند بر رویدادهای اقتصادی و سیاسی بعدی تأثیر بگذارند.» (Seligson & Booth, 1999) شاید بتوان گفت منفی بودن نگرش مردم به دموکراسی است که مانع شکل‌گیری نظام‌های دموکراتیک در کشورهای خاصی می‌شود.

فهرست منابع:

۱. آرون، ر، (۱۳۸۴)، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی. (ب. پرهام، مترجم)، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
۲. آزاد ارمکی، ت، (۱۳۸۵)، وضعیت ارزش‌های مذهبی در ایران و سایر کشورها، دانشگاه تهران.
۳. آقاجری، ه، (۱۳۷۹)، حکومت دینی و حکومت دموکراتیک. بازیابی از پرس و جو،

<http://www.porsojoo.com>

۴. احمدی، ی، (۱۳۸۸)، وضعیت دینداری و نگرش به آینده دین در میان نسل‌ها مطالعه موردی شهر سنج، معرفت فرهنگی اجتماعی.
۵. الله دادی، ن، (۱۳۸۶)، بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر باورپذیری دموکراسی، دانشگاه اصفهان.
۶. ایسپا، م. ا، (۱۳۸۴)، پیمایش ملی فرهنگ سیاسی مردم ایران، جهاد دانشگاهی، تهران.
۷. اینگلهارت، ر؛ نوریس، پ، (۱۳۸۷)، مقدس و عرفی، (م. وتر، مترجم)، کویر، تهران.
۸. باریبه، م، (۱۳۸۴)، دین و سیاست در اندیشه مدرن، (ا. رضایی، مترجم)، قصیده سرا، تهران.
۹. بشیری، ح، (۱۳۸۰)، درس‌های دموکراسی برای همه، نگاه معاصر، تهران.
۱۰. بیکر، ت. ا، (۱۳۸۶)، نحوه‌ی انجام تحقیقات اجتماعی، (ه. نایی، مترجم)، نشر نی، تهران.
۱۱. ترنر، ب، (۱۳۷۹)، ماکس وبر و اسلام، (س. وصالی، مترجم)، نشر مرکز، تهران.
۱۲. جهان‌بخش، ف، (۱۳۸۲)، از بازرگان تا سروش؛ اسلام، دموکراسی، (س. سریانی، مترجم)، بهزاد، تهران.
۱۳. دلبری، م، (۱۳۸۳)، بررسی رابطه بین دینداری و نگرش نسبت به دموکراسی، دانشگاه شیراز.
۱۴. دلفروز، م، (۱۳۸۰)، دموکراسی و جامعه مدنی در خاورمیانه، انتشارات روزنامه سلام، تهران.
۱۵. دواس، د. ا، (۱۳۸۵)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، (ه. نایی، مترجم)، نی، تهران.
۱۶. دوینوا، آ، (۱۳۷۸)، تأمل در مبانی دموکراسی، (ب. نادرزاد، مترجم)، نشر چشمه، تهران.
۱۷. ریتزر، ج، (۱۳۸۳)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، علمی فرهنگی، تهران.
۱۸. شجاعی زند، ع. ر، (۱۳۸۴)، مدلی برای سنجش دینداری در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران.
۱۹. عبداللهی، م؛ ساعی، ع، (۱۳۸۴)، تحلیل جامعه‌شناختی دموکراتیزاسیون در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران.
۲۰. فاروق، م. ع، (۱۳۸۷)، <http://bashgah.net>، (م. حجت، تدوین کننده).
۲۱. فاضلی، م، (۱۳۸۵)، بررسی تطبیقی تاریخی تجربه دموکراسی در ایران، کره جنوبی و ترکیه در دوره ۱۹۶۱-۱۹۶۲.
۲۲. فیاضی، ع. ن، (۱۳۸۶)، رابطه دین و دموکراسی، بازیابی از <http://www.yasinian.com>.
۲۳. کریمی، ی، (۱۳۷۹)، نگرش و تغییر نگرش، تهران.
۲۴. گنج‌بخش، س، (۱۳۸۸)، دو نظام سیاسی جغرافیایی در ایران، دولت مدرن امت اسلامی.
۲۵. گنجی، ح، (۱۳۸۰)، روانشناسی اجتماعی، تهران.
۲۶. گیدنز، آ، (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی، (م. صبوری، مترجم)، نشر نی، تهران.
۲۷. محمدی، ح، (۱۳۸۷)، گذری بر آرا و اندیشه‌های میرزای نایینی، روزنامه رسالت.
۲۸. مصباح یزدی، م. ت، (۱۳۸۷)، حکومت و مشروعیت.
۲۹. میرزایی، م، (۱۳۸۸)، بررسی رابطه دینداری و رفتار انتخاباتی، دانشگاه تربیت مدرس.
۳۰. هوشنگی، ح، (۱۳۸۷)، آرا اعلامه‌نایینی و شیخ‌فضل ... بازیابی از زمانه: WWW.ZAMANEH.INFO

31. al-Braizat, F. (2005). Muslims and Democracy. 36.
32. Altinoglu, E., & Tessler, M. (2004). Political culture in Turkey: connections among attitudes toward democracy, the military and Islam. democratization .
33. Becker, c., & Ravelsen, j. (2008). what is deocracy? kmf.
34. Becker, p., & Ravelson, J.-a. A. (2008). what is democracy? kmf , 23.
35. Booth, J. A., & Seligson, M. A. (1999). Paths to democracy and political culture of Costa Rica, Mexico and Nicaragua. 32.
36. Huang, M. H. (2005). Islam and democracy: A global perspective. Taiwan journal of democracy , 1 (2), 109-137.
37. Lenski, G. (1961). The religious factor: a sociological study of religions impact on politics, economics, and family life. New York: Doubleday and company.
38. Lewis, P., Alemika, E., & Bratton, M. (2002). down to earth: changes attitude toward democracy and markets in Nigeria. Afrobarometer .
39. Minkenberg, M. (2006). Clash of civilization? religion and democracy in a global perspective.
40. Rose, M. L. (2001). Does oil hinder democracy. World Politics .
41. Shafiq, N. M. (2009). do income and education affect support for democracy in islamic countries? Indian university .
42. Tessler, M. b. (2002). Do islamic orientations influence attitudes toward democracy in the Arab world?
43. Tessler, M. (2002). Islam and democracy in the middle east: The impact of religious orientations on attitudes toward democracy in four arabic countries. comparative politics .
44. Venkataraman, A. (2007). Islam and democracy: a Tocquivilian approach. critique .